

فرهنگ مُند گار ۳

خداداد شهبازی (بابک)

زِ خاک تیره گویا کرده زونه

به نام او که داده جسم جانِه

سرشناسه

: شهبازی، خداداد، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور

: فرهنگ مندگار ۳ / خداداد شهبازی.

مشخصات نشر

: اصفهان: چشم ساعی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

: ۲۴۲ ص.

شابک

: 978-600-8777-46-5

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

یادداشت

: بختیاری (گویش) -- واژه‌نامه‌ها

موضوع

: Bakhtiari dialect -- Dictionaries

موضوع

: بختیاری (گویش) -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

موضوع

: Bakhtiari dialect -- Dictionaries -- Persian

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۶ ۹ش ۳۳ب/۳۲۸۴ PIR

رده بندی دیویی

: ۴۹۹

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۱۰۷۳۰۰



انتشارات چشم ساعی، میدان جمهوری، جنب بانک مسکن، کوچه بنفشه ۲،

تلفن: ۰۳۱۳۳۳۸۲۹۲۵

فرهنگ مندگار ۳

نویسنده و پژوهشگر: خداداد شهبازی (بابک)

صفحه آرای / طراح جلد: الهام سادات سلجوقیان

ناظر فنی چاپ و تولید: الهام سادات سلجوقیان

ناشر: چشم ساعی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۷۷-۴۶-۵

قیمت: تومان ۱۲۰۰۰

پیش گفتار

گویل، ددویل، سلام

حرف زیدن (صحبت کردن)، خوندن، نوشتن سه پایه ی اساسی زوون آموزین ایما به گویش خُمون حرف اِزَن و لی سی خوندن و نوشتن مشکل داریم چون کار عملی اَنجُم نیدیم. ز قدیم هم گُذنه : « به کار برآید به سخنرانی نی » شاید هم اِترسیم چون فکر اِکْنیم بعضی واژه ها فارسی نیدن، اصلن ترس باره شمار زیادی ز واژه های ما به ویژه واژه هایی که بِن پهلوی دارن و فارسی یکین:

گُسنه - بِنِگِشت - گامَرگ - شَه - تارَه - مال - نوند - شِکال - ورزا - موچول - قوُلُق - مَزغ - مَرگ - هُنس هُنس - مَشه - سَهر - نَه - دواز - کَلند - زوون - هنی - گوزک - نی (نیست) - اُمبار - رود (بچه) گِی آستاره - آستاره - لیچار - مَسه - میره - میراو - مَجه - واره - فحل - مِل - مَل - گاچون - مسست سُول - کُل - پَه - چک چیل - شَن - (شمبد) - کُر - پِلست ... و

سدها واژه ی دیه که ناشناخته مَندنه. به یاری خدا و کمک فرهختگان بختیاری در آینده وارد واژه نامه ی فارسی ابون تا جای واژه های ناخواسته ی بیگانه پرکُنن. مشکل کار عملی ما هم خیلی آسونه در هر ماه دوخط نامه، چند تا مقاله، چار تا پیست به گُرش خُمون بنویسیم و بخونیم تا هم چشممون عادت کُنه هم دَستمون زوون وابو. کسانی که به گُرش بختیاری علاقه دارن (اِخون و اِنویسن) دایره ی ذهنی سون گسترش پیدا اِکُنه و راحت تر دِیگرون مَطالِبِه درک اِکُنن. در حقیقت خوندن و نوشتن به زوون مادری یه کلاس تُند خُونیه. اَیر تا حالا آرمایش نکرَدین بِسَمِلا بگوین ز خوندن همی مقاله شروع کُنین. در آینده ی نزدیک ثَمَر ای کار قشنگه اِیینین.

گویش یه واژه ممکنه در جاهای بختیاری نشین فرق داشته بو، مثلاً گو - گوو - گَگَه - گَیه - گگو - گهگه همه به معنی برادرن وریشه در واژه ی گو(پهلوان) دارن هر لُر زوونی بوینه یا بِشِنِه معنیسه اِدونه. اما گاهی یه واژه مُمکنه در سردسیر یه جور و در گرمسیر جُور دیری گویش و ابو هر دوهم دُرست بوئن. ایچو نیاز به هم فکری بیشتر و هماهنگی آگاهانه داریم نه ایما ایسا کردن!

فرهنگ مندگار ۳

واژه ای گزیده تره که اولن به فارسی نزدیکتر بو دوم ایکه واگویش ونوشتار پیشکسوتون ما(آیژمان بختیاری- آداراب افسر- آبهمن علادین) همخونی داشته بو چون هدف ما جدایی ز گویش فارسی نید بلکه تکمیل گویش ونوشتار هم فارسی وهم بختیاریه. پیامدای کار هم وحدت قومی و پرهیز ز قوم گرایی به دمیال داره. حالا که صحبت ز قوم گرایی وایی به پیشنهاد هم داریم البته پیشنهاد ز طرف کارشناس خبره یا مقام کشوری و لشکری نید بلکه حرف دل یه چندتا آدم آمیه که کمی تجربه دارن. با این نیت قول یا رد ای پیشنهاد وظیفه ای سی کسی ایجاب نیکنه جای شگفتیه که در گذشته ی نه چندون دیر فرد یا افراد فرصت طلو به خاطر سودجویی و راه وری بیشتر قوم فرهیخته و هوشمندمانه به تش و تیر و تافه تقسیم کردن که پایه واساس علمی نداره و با علق و منطق هم جور نیدرا ای تفرقه جز دشمنی، درگیری محلی، برتری جویی نابه جای صلح و قوم ما نداشته ونداره.

ز موقع پیدایش نفت و ورورنگی ها به مناطق بختیاری به خاطر نفاق بین مردم و چپاول ثروت ملی پُر رنگ تر وایی. بدبختانه- نئی هم ادامه داره تا جایی که تازه ایها به گردهماییها و جشنواره های ما هم رخنه پیدا کرده تا زحمت گر ددویلی که در راه وحدت قومی قدم اوردارن به بار نشینه. پیشرفت همه جا نوه ی ما رگرو وحدت و یکپارچه ای مونه نه تقسیم بندی وجدایی. فرهنگستان مُندگار در راستای ای اندیشه نئی ز تش و تیره و تافه نبرده وای کاش گفتار و نوشتار و سخنرانیها هم در ای مسیر بو تا در آند بارده کار با آرزشمون بیشتر نمایون وابو. خلاصه ی کَلَم: بختیاری، ایرانی، آریایی.

به خُمون ایالیم که در ای مدت کم شمار زیادی زهمتیارانمون ز جاهای دیر و نزدیک با ما در ارتباط بیدن وخرسندیم که ای ارتباطا ادامه داشته بو تا ماهم وادل گرمی بیشتر به کارمون ادامه بدیم. ز بین ای عزیزون تعداد اندکی که همکاری بیشتری داشتن و تمایل داشتن عضو فرهنگستان مُندگار و ابوهن به عنوان مُست نمونه ی خروارنام ایریم

آرحیم شهبازی (مجدسلیمون)، آ سپهر صالحی نژاد (اصفهان)، آ بهمن امامی، (اهواز) آخانمراد صالحی نژاد (بهارستان)، آ غلامحسین آریافر (اهواز)، آ حمید سبزواری (ایزه)، آ صادق صالحی (خمینی شهر)، آ سیامک شهبازی (مجدسلیمون)، آ صادق شهبازی (اندکا)، آ علی همت ناصری کریموند(یزدان شهر نجف آباد)

فرهنگ مندگار ۳

بزرگواران ديه هم هُدن كه آيرچه عضو فرهنگستان مُندگار نیدن ولی به عنوان نویسنده، شاعر و پژوهشگر فرهنگ بختيارين (لری) ما دست اندرکاران فرهنگستان مُندگار وظیفه ی خمون اِدونیم سی هر یکی زسون یه واژه ی مُندگار اختصاص بدیم كه كمترین کار یه در برابر کار بزرگ و با ارزش اونو:

آظهراب مددی (پیشکسوت واژه نگاران بختیاری) آجواد خسروی نیا- آ عبدالعلی خسروی- آ داراب ریسی- آرژن حسینی- آ آرمان موری احمدی آهوشنگ کریمی- آ علی اکبر اکبری- آسام گودرزی- آ رویز صالحی- بی بی سریا داودی- آ علی بهرامی- آ مصطفی علیزاده گل سفیدی- آ حیاتهالی فن مشر- آموسا حاجت پور- آ اردشیر صالح پور- آ رضا سرلک- آ دانش عباسی- آفریبرز فروتن- آ اسماعیل اسماعیل وندي- آشیرعلی کیانی- آمهراب امیری- آ قهرمان محمدی- آ اسکندر رحیمی بدنجانی- آحسین حسن زاده- آ عبدالرسول منجزی- آ زلفعلی بختیاری (ملا زلفعلی) برفور آحانعلی محمود صالحی- آمرید میرقاید، دکتر محمد جواد مشکور ...

و عزیزان دیگری كه حتمن ز قلم و ستنه ولی زدا به هدف همه ی ما زنده نگه داشتن فرهنگ بختیاری و پر بار کردن ادب فارسیه

وخت گمه، علی بن منشین

به داس دانش، گل واژه بچین

کتاب مندگار واکن بون

رَهده زیادت کَلَمی، غم مدار

با سپاس خداداد شهبازی به نمایندگی از دست اندرکاران فرهنگستان مُندگار - مندریر و چشم به
 ۰۹۱۳۸۲۷۷۲۵۹
 زهمیم.

کتاب فرهنگ مندگار ۴ (شعر مندگار) به زودی چاپ و در دسترس همکاران خواهد بود